



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۳۱

نویسندگان: الکزاندر کوکبرن و جفری کلیر

فرستاده مخفی افغان حکایت میکند

در جنگ علیه ترور برایش صفر بدهید

چطور تسلیمی بن لادن به بوش پیشکش شد و چطور بر بادش داد

مترجم: میر عبدالرحیم عزیز

این مضمون قبلاً در سال ۲۰۰۶ به نشر رسیده بود. لکن نسبت اهمیت موضوع و حالت کنونی افغانستان، نشر دوباره آن را به خوانندگان پیشکش می‌نمایم.

الکزاندر کوکبرن (Alexander Cockburn) و جفری کلیر (Jeffrey Clair) مضمون دلچسپی را در یک نشریه سیاسی بنام ضربه متقابل (Counterpunch) بتاريخ اول نوامبر ۲۰۰۴ به نشر سپردند که اینک ترجمه آنرا برای معلومات سیاسی و تاریخی هموطنان گرامی تقدیم میداریم:

جورج بوش مردی که قسمت عمده مبارزات انتخاباتی اش را اهلیت وی در جنگ علیه ترور تشکیل میداد، میتوانست سر بن لادن را در یک پنتوس در روز اول کارش بدست آورد. این پیشکش تا روز دوم فروری ۲۰۰۲ به اعتبار خود باقی بود. این اتهام ذریعه یک افغان امریکائی که به حیث فرد ارتباطی بین طالبان و ادارات کلنتن و بوش ایفای وظیفه میکرد، وارد شده است. اسم وی "کبیر محبت" است که ۴۸ سال (در آن زمان) دارد و فعلاً در شهر هوستن تکزاس مصروف تجارت میباشد (آقای محبت چند سال قبل وفات نمود). وی در ولایت جنوب شرقی پکنیا متولد شده و از قبیله جاجی است. محبت در پوهنتون سنت لوئیز (St. Louis) ایالت میسوری تحصیلات خود را به پایان رسانیده و در دهه ۱۹۸۰ اداره روابط خارجی مجاهدین را بدوش داشت. وی همچنان تماس های وسیعی با مؤسسات مربوط به سیاست خارجی امریکا و طالبان برقرار کرده بود. بعد از اخراج از افغانستان، کبیر محبت دوباره به امریکا برگشت و به تأسیس یک موسسه تجارتي صادرات به افغانستان اقدام کرد و ضمناً تابعیت امریکا را هم بدست آورد. به ارتباط روابطش با طالبان، محبت در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ وقت و مساعی زیادی را در قرار داد پیشنهادی لوله گاز از طریق شمال افغانستان صرف نمود.

در يك مصاحبه طولانی و در يك نامه غیر رسمی، کبیر محبت با تفصیل اسنادی را که اتهام وی را علیه اداره بوش محکم تر جلوه میدهد به ما ارائه کرد. این اسناد نشان میدهد که اداره بوش میتواند بن لادن و سایر اعضای عالیرتبه وی را منحصراً زندانیان، خواه در امریکا و یا نزد متحدین امریکا بدست آورده و یا در مراکز شان در افغانستان بقتل برساند. طوریکه تحقیق و کاوش در منابع اطلاعاتی نشان میدهد، قسمت اعظم فعالیت کبیر محبت مورد بحث بعضی گزارشات خبری به شمول گزارش اختصاصی شبکه تلویزیون سی بی اس (CBS) توسط الن پیزی (Alan Pizze) در سپتامبر ۲۵ سال ۲۰۰۱ قرار گرفت. این بار اول بود که محبت این داستان را علنی ساخت.

در اخیر ۱۹۹۹ تعزیرات اقتصادی امریکا و انزوای جهانی برای طالبان بسیار گران تمام شد و این گروه متوجه گردیدند که موجودیت بن لادن و تأسیسات آموزشی وی در افغانستان "فقط يك مسئولیت لعنتی است." محبت اظهار داشت که يك دیپلمات امریکائی به صراحت کامل به اطلاع رهبری طالبان رسانید که اگر يك تبعه امریکا به اثر کدام اقدام القاعده صدمه ببیند، امریکا طالبان را مسئول دانسته و ملا عمر و دیگر رهبران طالبان را هدف قرار خواهند داد.

در تابستان سال ۲۰۰۰، محبت طی يك سفرش به افغانستان با مقامات عالیرتبه طالبان در قندهار دیدار نمود. طالبان از محبت خواهش کردند که ترتیب يك ملاقات را با مأمورین با صلاحیت اتحادیه اروپائی بگیرد تا راه تسلیمی بن لادن جویا گردد. محبت پیشنهاد نمود که ایشان بن لادن را به محکمه جنائی جهانی در هاگ تسلیم نمایند. متعاقباً، کبیر محبت زمینه دیدار را بین هیئت طالبان و رینر ویلند (Reiner Weiland) نماینده اتحادیه اروپائی در هتل شیرتن Sheraton Hotel شهر فرانکفورت مهیا ساخت. (Weiland) به طالبان گفت که پیشنهاد ایشان را به المر بروک (Elmer Brok) مدیر روابط خارجی اتحادیه اروپائی ارائه خواهد کرد. محبت گفت که بروک (Brok) بعداً سفیر امریکا را در جرمنی ازین پیشکش طالبان آگاه ساخت. در این مقطع زمان، وزارت خارجه امریکا به محبت گفت که امریکا میخواهد که از خدمات وی مانند گذشته استفاده نماید. محبت اظهار داشت که از ماه نوامبر سال ۲۰۰۰ تا ماه سپتامبر سال ۲۰۰۱، مبلغ ۱۱۵۰۰۰ دالر به وی پرداخت شده بود.

در صبح روز ۱۲ اکتوبر سال ۲۰۰۰، محبت در واشنگتن بود و برای يك ملاقات به ساعت ۱۱ صبح در وزارت خارجه امریکا آمادگی میگرفت. درین وقت وزارت خارجه امریکا با وی تلیفونی تماس گرفته و برایش گفت که تلویزیون را تماشا کن و بعداً نزد ما بیا. کشتی نظامی امریکائی کول (Cole) منفجر گردیده بود. محبت مجلسی با آمر شعبه جنوب شرق آسیا و مأمورین اداره امنیت ملی داشت. ایشان به محبت گفتند که امریکا "افغانستان را بیرحمانه بمباران خواهد کرد." محبت به ایشان جواب داد "برای من سه هفته وقت بدهید و من بن لادن را به دروازه شما تحویل میدهم." امریکائیان یکماه به محبت وقت دادند. محبت به سوی قندهار رفت و بمباران قریب الوقع افغانستان را به سمع طالبان رسانید. طالبان به محبت گفتند که ترتیب يك ملاقات را با مقامات امریکائی گرفته تا حالت و چگونگی تسلیمی بن لادن را با ایشان صحبت کنیم. کمتر از يك هفته به انتخابات ریاست جمهوری امریکا در روز دوم نوامبر سال ۲۰۰۰ باقی مانده بود که محبت ترتیب يك مجلس مستقیم را بین رهبران طالبان و يك تیم از حکومت امریکا در هتل شیرتن (Sheraton Hotel) در فرانکفورت گرفت.

بعد از اینکه مجلس با دشواری در روز اول در فرانکفورت آغاز شد، محبت گفت که طالبان شدت تهدید امریکا را فهمیدند و راه هایی طرح کردند که چطور با بن لادن معامله گردد. بن لادن می توانست که به اتحادیه اروپایی تسلیم داده شود، ذریعه طالبان کشته شود و یا اینکه برای هدف حملات راکتی در يك محل معین جا بجا گردد. در اخیر مجلس، طالبان وعده تسلیمی بدون قید و شرط بن لادن را دادند. بالاخره همه موافقه کردیم که بهترین راه این خواهد بود که بن لادن و معاونین او را در يك محل جمع نموده و بعداً امریکا يك یا دو راکت رهبری شده را به آنجا بفرستد. تا آن زمان بن لادن در بیرون شهر قندهار زندگی میکرد. مدت کمی بعد از مجلس فرانکفورت، طالبان اسامه بن لادن را به منطقه درونته انتقال داده و او را در آنجا تحت نظارت گرفتند.

بدنبال انتخابات سال ۲۰۰۰ در امریکا، محبت به اسلام آباد مسافرت نموده و با (William Milam) ویلیام میلانم سفیر امریکا در پاکستان و شخص تعیین شده از جانب اداره کلنتن به ارتباط تماس با طالبان در مورد سرنوشت بن لادن ملاقات نمود. میلانم به محبت گفت که کار تمام است، لکن بمباران واقعی بوسیله اداره بوش انجام خواهد شد.

در ۲۳ نوامبر سال ۲۰۰۰، محبت از اداره امنیت ملی تلیفون گرفت و به وی گفتند که ایشان میخواهند که او را رسماً در لست معاشخوران امریکا منحصیث شخص ارتباطی با طالبان قرار دهند. محبت موافقه کرد. چند هفته بعد، يك مامور رسمی اداره جدید امنیت ملی جورج بوش از وی تقاضا نمود که به کار خویش ادامه دهد و بعد از مدت کوتاهی نامه ای از جانب اداره بوش بوی داده شد (محبت می گوید که يك کاپی آنرا دارد) که در آن امریکا از طالبان نسبت کوتاهی در معامله با بن لادن معذرت خواست. درین نامه تذکار رفته بود که اداره جدید هنوز در حال تشکل بوده و تقاضا نمودند که با طالبان در ماه فروری سال ۲۰۰۱ دیدار نمایند.

اداره بوش محبت را با يك نامه دلجویانه و محبت آمیز در مورد تعویق طرح دوباره فرستاد و سه بار از تأخیر در سال ۲۰۰۱ و آخری بعد از حادثه سپتامبر ۱۱ به طالبان اظهار تاسف نمود. هر بار از وی تقاضا کردند که عین تأثر را در مورد کوتاهی در انجام طرحی که در فرانکفورت موافقه شده بود به طالبان اظهار بدارد. این مسامحه از جانب امریکا يك نوع مزاح و شوخی دائمی برای طالبان گشته بود. محبت گفت که طالبان به من پیشنهاد کردند که اگر امریکا برای راکت های رهبری شده غرض حمله بر بن لادن که در درونته زیر نظارت بود مواد سوخت ندارد، ما پول آنرا میپردازیم.

آخرین سفر محبت به افغانستان منحصیث معاشخور امریکا بتاريخ ۳ سپتامبر ۲۰۰۱ صورت گرفت. به تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، محبت مصروف ترجمانی برای يك تعداد از رهبران طالبان بود که همه، حمله بر مرکز تجارت جهانی و پنتاگون را در تلویزیون مشاهده کردند. چهار روز بعد، وزارت خارجه امریکا از محبت تقاضا نمود که ترتیب ملاقات را با طالبان بگیرد. محبت گفت که طالبان ذریعه طیارات سی - ۱۳۰ (C-۱۳۰) بسوی کویت پرواز کردند. آنان در آنجا با سه تقاضای هیئت امریکائی موافقت کردند. ۱. تسلیمی فوری بن لادن؛ ۲. استرداد کلیه خارجیان در سازمان القاعده که کشور های متبوعه شان آنها را میخواهند؛ ۳. بستن مراکز و اردوگاه های آموزشی بن لادن. محبت گفت که طالبان به کلیه تقاضا ها موافقه نمودند. مجلس کویت به کلمات محتاطانه و مبهم

بوسیله پزی (Pizze) بتاريخ ۲۵ سپتامبر با ذکر نام محبت گزارش یافت. محبت گفت که اداره بوش بیشتر ازین جریان نسبت به سائر حوادث دیگر نارام و متاثر شد که سر انجام برنامه کشتن بن لادن هم بکلی ترك گردید.

محبت گفت که بتاريخ ۱۸ اکتوبر ۲۰۰۱، وی به سفارت امریکا در اسلام آباد دعوت شد. به وی گفتند که "برای او روشنائی در انتهای تونل وجود دارد". بدین معنی که محبت به وظیفه ای دعوت میشد که بعداً کرزی را توظیف کردند. محبت ازین پیشکش ابا و ورزید و گفت که وی آرزوی نقش دست نشانده و احتمالاً يك فرد ساده لوح و خوش باور را ندارد.

بعد از چند روز حکایت پزی (Pizze) افشاء گردید و محبت خشم اداره بوش را که قبلاً در آنجا يك دشمنی در قیافه خلیل زاد داشت کمائی نمود. خلیل زاد بتاريخ ۲۲ سپتمبر به حیث فرستاده اختصاصی امریکا در افغانستان تعیین گردیده بود. بعد از ملامت کردن وی، مقامات امریکائی به وی گفتند که بازی عوض شده است و بایست به طالبان شرط جدید را بگوید که "یا تسلیم شوید یا اینکه خواهید مرد". محبت نپذیرفت که حامل این پیام باشد و ازین پس از لست معاش خواران امریکا پائین افتاد.

در عین ماه اکتوبر ۲۰۰۱ حینیکه محبت در مورد رهائی میتر مرسر (Heather Mercer) مؤفقا نه با طالبان مذاکره میکرد، طالبان یکبار دیگر گفتند که آنها بدون قید و شرط بن لادن را تسلیم خواهند داد. محبت اظهار داشت که وی این پیشنهاد طالبان را به سمع دیوید دوناهو (David Donahue) جنرال قونسل امریکا در اسلام آباد رسانید. به وی گفته شد که "ترین به حرکت افتاده است". یعنی تصمیم قبلاً در مورد حمله به افغانستان اتخاذ گردیده است. بعد از يك مدت کوتاه، بمباران افغانستان آغاز شد.

در ماه دسامبر ۲۰۰۱، محبت در پاکستان بود و با حرکات استهزاء آمیز جریان حمله به محل اختفای فرضی بن لادن را در کوه های توره بوره متصل به سرحدات پاکستان تعقیب میکرد. او مقامات سفارت امریکا را در اسلام آباد گفت که این حمله ضیاع وقت است. رهبران طالبان به وی گفتند که بن لادن حتی نزدیک به توره بوره هم نبود، بلکه در منطقه وزیرستان اقامت داشت. بن لادن با فهم اینکه امریکا امواج تیلیفون دستی او را تعقیب میکند، يك شخص مشابه خود را به توره بوره فرستاد تا امریکائیان را بفریبد.

نویسندگان این مضمون اظهار میدارند از اسنادیکه محبت در اختیار ما گذاشت و از تفصیلاتی که ما از او بدست آوردیم، ما شرح داستان محبت را تائید می کنیم و خوش هستیم که این حکایت را که نشاندهنده ناکامی غیر قابل باور اداره بوش در عدم پذیرش پیشنهاد طالبان به ارتباط از بین بردن بن لادن است، علنی سازیم. در نتیجه این ناکامی، بیش از ۳۰۰۰ امریکائی و هزار ها افغان کشته شده اند. محبت هم دوبار از مرگ فرار کرد، و قتیکه القاعده از نقش او آگاه شد، در سدد کشتن وی برآمد. در ماه فروری سال ۲۰۰۱، يك بمب در هتل محل اقامت وی در کابل منفجر شد. در اخیر همان سال، يك بمب دستی در اطاق هتل محل اقامت وی در قندهار پرتاب شد اما منفجر نگردید.

محبت حکایت خود را به کمیسیون تحقیق حادثه سپتمبر ۱۱ و اعضای فامیل قربانیان این حادثه بازگو نمود (وی از روی نگرانی در آغاز گفته بود که نمی خواست این موضوع را به کسی دیگر فاش سازد). فامیل های قربانیان

۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ طرح دعوی را علیه دولت امریکا به اساس این تصور که اشتباهات اطلاعاتی باعث بروز حادثه ۱۱ سپتامبر شده بود به راه انداختند. محبت گفت که توضیحات وی مورد دلچسپی و علاقه فامیل قربانیان این حادثه قرار نگرفت زیرا قضاوت وی در مورد وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بر مبنای اشتباهات اطلاعاتی قرار نداشته و ندارد، بلکه به اساس خطای جنائی اداره بوش استوار میباشد.

پایان

